

نسبت هویت قومی و ملی در نزد جوانان استان البرز

برزو مروت^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۵/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۷/۱

بنیادی ترین تغییر و تحولات انسانی در دوره نوجوانی و جوانی اتفاق می افتد؛ دورانی که طی آن فرد همواره در تلاش و جستجو برای معنا و ماهیت خویش است و این کاوش و جستجوگری را در محیط و اجتماع پیرامون خویش و در ارتباط با دیگران نمودار می سازد. فرد جوان می داند این اجتماع- اعم از خانواده، طایفه، قوم و ملت- بخشی از وجود و ماهیت وی را شکل داده و به فراخور تعامل با آنها جامعه پذیر و هویت پذیر شده است. تحقیق حاضر به شیوه پیمایشی انجام شده و از تکنیک پرسشنامه برای جمع آوری داده ها استفاده گردیده است. جامعه آماری آن شامل جوانان ۱۸ تا ۳۰ سال متعلق به شش گروه قومی ساکن شهر کرج می باشد که از این تعداد به کمک فرمول کوکران، ۲۴۵ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. نتایج پژوهش بیانگر وجود تشابهات و قرابت هایی بین هویت قومی و ملی می باشد. میزان گرایش به ابعاد عام هویت قومی و ملی در بین گروه های قومی دارای تفاوت معناداری می باشد، اما دال بر این نیست که بعد خاص هویت قومی و ملی در نزد آنها ضعیف باشد. یافته ها نشان می دهد که متغیرهای سرمایه فرهنگی، رسانه جمعی و مدت زمان اقامت در کرج اثر مستقیم و فزاینده ای- غیرمستقیم- بر گرایش به ابعاد عام هویت قومی و ملی دارند. گستره روابط به تنهایی اثر مستقیم دارد و از سوی دیگر، با افزایش احساس محرومیت نسبی در جوانان، گرایش به ابعاد عام هویت قومی و ملی تضعیف می شود. در مجموع ۵ متغیر فوق حدود ۲۹ درصد از تغییرات گرایش به ابعاد عام هویت قومی و ملی را در بین جوانان تبیین می نمایند.

واژگان کلیدی: هویت قومی و ملی، جوانان، گستره روابط، احساس محرومیت، رسانه جمعی و سرمایه فرهنگی



مقدمه

هرچند که بشر از آن زمانی که به صورت یک هیئت اجتماعی درآمد، همواره دغدغه کیستی، چیستی و چرایی خویشتن را داشته و همین امر در خلوت و جلوت وی را به تفکر و اندیشه واداشته است، اما این مقوله امروزه به عنوان موضوعی مهم و کلیدی به ویژه در حوزه علوم انسانی مطرح و مفاهیم "هویت" و "هویت اجتماعی" در رویکردهای مختلف بسیار مورد واکاوی و مطالعه قرار گرفته و حائز اهمیت شده است) (Aorebort, 1992:52)؛ چرا که هویت و کیستی انسان امروزیین برخلاف گذشته تحت تاثیر عوامل درونی و تحولات برونی اولاً، ثبات خود را از دست داده است؛ ثانیاً، اجزا و عناصر درونی آن در حال دگرذیسی اند؛ ثالثاً، شاهد جابجایی در سلسله مراتب آن می باشیم. پس وی از جنبه درون و فردی به موجودی چندساحتی با لایه های متنوع و متکثر فرهنگی، قومی، زبانی، نژادی، مذهبی، ملی و... تبدیل شده است. از جنبه برونی و اجتماعی نیز تعاملات و مراودات فرهنگی، مهاجرت های گسترده و امتزاج های قومی، ترکیب های فرهنگی و پیدایش دولت-ملت ها، بافت و ساخت بسیاری از اقوام و گروه های قومی را تغییر داده و افرادی با هویت های دورگه و چندرگه را خلق نموده است. به میزانی که تعاملات و تکنولوژی ارتباطات روبه گسترش نهاده و آگاهی های هویتی افراد افزایش یافته، به همان میزان نیز قطعیت های آشکارا قدیمی یگانگی هویت را به چالش کشانده است؛ بدین معنا که افراد تا قبل از دنیای مدرن متکی بر قوم و ایل و تبار خویش بودند، اما از چند سده گذشته که دولت مدرن به عنوان واقعیتی انکار ناپذیر در جوامع کنونی ظهور کرد و در جریان توسعه و نوسازی عرصه های مختلف زندگی بشر را تحت تاثیر قرار داد، تعلقات، تعهدات و وفاداری های جدیدی ظهور و بروز کردند که گاهی وابستگی ها و گرایشات قبلی را با چالش مواجه نموده و در بسیاری موارد شکل غالب به خود گرفته اند. پس پیوستن و الحاق این لایه هویتی به لایه های پیشین، تکثر و تنوعی را هم در سطح اجتماعی و برونی و هم در سطح فردی و درونی پیش روی جوان امروزیین قرار داده است.

در سطح کلان نیز کشور ما به عنوان یکی از جوامع در حال گذار از یک سده گذشته با تغییر و تحولات عظیمی هم در سطح داخلی و هم در سطح بین المللی و در مواجه با اغیار و دیگران مواجه شده است. نگاهی به گذشته تاریخی بیانگر این واقعیت است که ایران از معدود کشورهای تاریخی و باستانی به شمار می آید که دارای تنوعات قومی، زبانی، نژادی و فرهنگی چندین و چند هزاره ساله است و جغرافیایی انسانی حال حاضر نیز موید این ترکیب، تنوع و تکثر اقوام می باشد که در طی هزاران سال با همدیگر

امتزاج یافته و یک واحد سیاسی مستقلی را خلق نموده اند که در نوع خود کم نظیر و شاید بی نظیر باشد. همان طوری که در ادامه خواهد آمد، ریشه های پیدایش و شکل گیری یک دولت متمرکز در ایران به چندین قرن گذشته برمی گردد و به تعبیر هابساوم، ایران از این حیث کشوری تاریخی قلمداد می شود. اما نباید فراموش کرد که دولت های گذشته در ایران بیشتر صبغه قومی و قبیله ای داشتند و ردپای مدیریت سیاسی به شیوه نوین را تنها می توان در انقلاب مشروطه به ویژه در دولت پهلوی اول جستجو نمود که به فراخور تحولات تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و.... ضرورت توسعه و نوسازی اقتصادی- اجتماعی، شکل و قالب گرفته است. در رأس این تغییر و دگرگونی های سده اخیر البته شهرها قرار داشتند که به دلیل مهاجرت گروه های قومی از مناطق پیرامون و حاشیه ای به مرکز و پایتخت، گاه به دوگانه ها و حتی پارادوکس هایی از قبیل روستایی/شهری، سنت/تجدد، عصبیت/مدنیت، قومیت/ملیت و..... دامن زده است. اصولاً جوانان مهاجر قبل از سکونت در کلان شهرهایی همچون تهران و کرج، یا در شبکه ای درهم تنیده از روابط خویشاوندی و فامیلی زندگی می کرده اند و یا در بافت "جماعتی" و "معیشتی" روستاها به گونه ای دارای تشخیص و هویت تعریف شده و ثابتی بودند، اما با مهاجرت به شهرهای بزرگ و مواجهه با ساخت و بافت فرهنگی متفاوت و گونه گون، ناگهان خود را در فضایی بزرگتر با تنوعات بیشتری یافتند. این تجربه زیسته مشترک با فرهنگ ها و اقوام مختلف و به تبع آنها گستره روابط، جدایی گزینی مکانی، سرمایه فرهنگی و..... گاهاً موجبات ابهام و سرگردانی و در برخی مواقع بازنگری و بازسازی هویتی در نسل جوان را فراهم نموده است.

ضرورت و اهمیت چنین مطالعاتی زمانی آشکار می شود که وجود و تنوع بسیار گسترده ای از گروه های قومی، زبانی، نژادی و.... در شهری همچون کرج اگر به خوبی مدیریت نشود و هرکدام از این هویت ها به گونه ای افراطی برساخته و ظهور یابد، می تواند زمینه و بستری برای واگرایی ملی فراهم نماید؛ موضوعی که همواره به عنوان دغدغه اصلی دولتمردان و مدیران ارشد محسوب می گردد. مهمترین ضرورت این پژوهش در خطر ناسازگاری میان هویت قومی و ملی در جنبه های ذهنی و رفتاری است که ممکن است مابین جوانان به فراخور سن و سالشان شکل گرفته، احساسات و هیجانات قومی و قبیله ای در آنها به شکل افراطی بیدار شده و زمینه های نزاع و درگیری میان گروه های قومی را دامن زنند. در این پژوهش ضمن مطالعه و سنجش نسبت هویت قومی و ملی در نزد جوانان و میزان انطباق و یا عدم انطباق آنها با همدیگر، علل و عوامل موثر بر تغییرات هویتی به موضوعی در خور توجه و اهمیت برای مطالعه تبدیل شده است.

مبانی و چهارچوب نظری پژوهش

نظریه ها، امکان انجام تحلیل هایی را در راستای شناخت، توصیف و تبیین پدیده ها به ما می دهند. البته این شناخت همواره کامل و جامع نیست، چرا که هر نظریه ای از زاویه و رویکردی خاص به واقعیت می نگرد و به فراخور خود، بخشی از آن را به تصویر می کشد. برای توصیف و تبیین مفهوم هویت نیز به عنوان پدیده ای چندضلعی و چند بعدی نیاز به بهره گیری از دیدگاه و نظرات روانشناسان، روانشناسان اجتماعی و جامعه شناسان می باشد:

• رویکرد روانشناسان

آنان هویت را امری فردی تلقی می نمایند و فرد را در کشف، انتخاب و درونی نمودن هویت در خویش، مختار می دانند. اریکسون در این باره "هویت" را همانند گرایش گیاه به رویش می داند که در برابر هر مقاومتی به حرکت خود ادامه می دهد، زیرا هرکسی نیاز دارد تا بداند کیست؟ (هیلگارد، ۱۳۹۲: ۱۳۱) آنها معتقدند که انسان از ابتدای زندگی اجتماعی، دارای یک هسته بنیادین یا یک هویت نسبی اولیه است که در جریان جامعه پذیری و کنش متقابل با دیگران هر روز هویت های جدیدی را خلق می کند. (ترنر، ۱۹۹۸: ۳۷۵-۳۸۲). روانشناسانی از قبیل سلرز (۱۹۸۲)، مارسیا (۱۹۸۷)، شلتون (۱۹۹۰)، راولی (۱۹۹۰)، چاوس (۱۹۹۲)، سنوا (۲۰۰۱)، بروژنسکی (۲۰۰۵)، کرامر (۲۰۰۰)، کامپلا (۲۰۱۱) و کرپلمن (۲۰۱۱) در چارچوب رشد شناختی نظریاتی در مورد دستیابی به هویت قومی در بین کودکان مطرح نموده اند و معتقدند کودکانی که شناخت مثبتی راجع به قومیت خود دارند، هویت قومی اشان زودتر تثبیت می شود (seidman, 2006: 18).

• روان شناسان اجتماعی

آنان رویکردی متفاوت به هویت دارند. در نگاه آنان، "خود" اساساً یک ساختار است که در یک زمینه فرهنگی رخ می دهد (shwartz&kurtinez, 1999: 199) و از تجربه اجتماعی برخاسته است (قاسمی، ۱۳۸۱: ۳۳). در واقع، "خود" همانند موجی است که از جریان و فراگرد اجتماعی به وجود می آید و همیشه نیز به عنوان جزئی از آن باقی می ماند (parsons&shills, 1999: 739). این دیدگاه، هویت فرد را در ارتباط با گروه و بازتاب نگرشی می داند که دیگران نسبت به وی دارند (mead, 1976: 222). حتی این نظریه پردازان تا آنجا پیش می روند که معتقدند پنداشت از خود یک شخص نیز بوسیله گروهی که شخص بدان تعیین هویت می شود، شکل می گیرد. تاجفل در

این باره با طرح مفهوم "مقوله بندی" بیان می دارد که بدون آگاهی از عضویت در گروه یا گروه های اجتماعی و اهمیت و ارزشی که فرد برای چنین عضویتی قائل است، هویت جمعی نمی تواند شکل گیرد (Rosenberg, 1988:57). استرایکر (۲۰۰۰) نیز به موضوع مهم "برجستگی" اشاره نموده که در طی آن هویت ها در داخل "خود" براساس سلسله مراتب برجستگی، سازماندهی می شوند. در این حالت، هرچه برجستگی یک هویت نسبت به سایر هویت های تشکیل دهنده خود بیشتر باشد، احتمال انتخاب رفتاری مطابق با انتظارات متصل به آن هویت، بیشتر می شود.

• جامعه شناسان

در مقابل دو رویکرد قبلی، آنان بر این اصل تاکید دارند که برای مطالعه فرد و رفتارهای وی باید رویکردی کلان اتخاذ نمود و به اجتماع و محیطی که فرد در آن قرار دارد، پرداخت. دورکیم به عنوان جامعه شناسی کلاسیک، در این مورد بیان می دارد که مرزهای گروه قومی محدودیت هایی برای رفتار معنوی و اخلاقی افراد جامعه وضع می کنند و در این رابطه گروه قومی به عنوان قطب نمای اخلاقی رفتار فردی عمل می کند. (مالشویچ، ۱۳۹۰: ۸۲) پارسونز نیز به مانند دورکیم معتقد است که در جوامع سنتی، همبستگی قومی بی تردید مستلزم آن است که گروه قومی همچون پاسدار اخلاقی و معنوی، رفتار فردی و گروهی عمل کند (همان منبع). وی به موازات برداشت تکاملی خود از توسعه اجتماعی، معتقد است که تقسیم کار پیچیده تر، افزایش شتابان تحرک فضایی و اجتماعی و همچنین شهرنشینی باعث می شوند گروه های قومی کار ویژه خود را از دست بدهند و عمدتاً تبدیل به گروه های فرهنگی و نمادین شوند. گیدنز (۱۳۸۷) از طرفداران رویکرد ساختاربندی معتقد است هویت اجتماعی با به کار گرفتن کنش متقابل دیالکتیکی درونی و برونی فهم و درک می شود. در سطح خرد ابتدا نوعی آگاهی و اعتماد به وجود چهره های (اطمینان) به عنوان شخصی حاصل می شود و بعدها رفته رفته ماهیت میان ذهنیتی زندگی اجتماعی و به تبع آن هویت اجتماعی شکل می گیرد. جنکینز (۱۳۸۸) نیز به مانند گیدنز معتقد است که هویت اجتماعی دوجانبه است؛ ما در دیالکتیک درونی-برونی بین خودپنداری و تصور عامه نه تنها خودمان را شناسایی می کنیم، بلکه دیگران را نیز می شناسیم و توسط آنها نیز شناخته می شویم. معلوف (۱۳۹۲) با تاسی از گیدنز و جنکینز، هویت را امری ذاتی و از پیش تعیین شده نمی داند، بلکه امری اجتماعی و برساخته جامعه می داند که در آن "خود" فرد هم سهیم و البته تاثیر گذار می باشد. بوردیو (۱۹۸۶) هم در این چارچوب بیان می دارد که "عادت واره" طبقه ای

که از موقعیت اجتماعی - اقتصادی و جایگاه عاملان اجتماعی در ساختارها و میدان های تعاملاتی نشأت می گیرد، هویت های جمعی مشترک را پدید می آورد. در نگاه دیگر، طرفداران مکتب نوسازی بیان می دارند که شروع فرایند نوسازی زمینه های کاهش اختلافات در نشانه های اجتماعی را فراهم می سازد. در نتیجه، همبستگی بیشتر شهری و یگانگی بیشتر فرهنگ که دولت ابراز می کند، جانشین قومیت و همبستگی های قومی می شود (مروت، ۱۳۸۴: ۶۲). دویچ در این مورد اعلام می دارد که در فرایند نوسازی افراد و اقلیت های قومی و فرهنگی روابط بیشتری با خارج از قوم و خویشاوند خود تجربه می کنند. از سوی دیگر، جریان همانندسازی نیز از درون فرهنگ پیرامونی رخ می دهد و به متجانس شدن آن و گوناگونی های محلی درونی مجموعه دولت - ملت می انجامد. (اوزکریملی، ۱۳۹۱: ۱۸۶)

- هشتر برخلاف دویچ معتقد است در جریان نامتوازن نوسازی هرچه تفاوت های فرهنگی، به ویژه تا آنجایی که به تعیین هویت مرتبط می شود، بیشتر باشد احتمال اینکه جماعت پیرامونی متمایز از لحاظ فرهنگی، همبستگی بیشتری داشته باشد، افزایش خواهد یافت (هشتر، به نقل از اوزکریملی، ۱۳۹۱: ۱۲۶). تدگار نیز با این نگاه معتقد است اساساً هویت قومی زمانی اهمیت پیدا می کند که یک گروه قومی به دلیل قومیت خود در معرض سرکوب، آزار یا محرومیت از برخی حقوق و مزایا قرار می گیرند (قاسمی، ۱۳۸۱: ۱۲۶) و این امر موجبات تقویت هویت قومی می شود و به تبع آن منافع مشترک قوت می یابد. (تدگار، ۱۳۷۹: ۲۱۶) کونور در انتقاد به تئوری "ملت سازی" بیان می دارد که نوگرایی لزوماً منجر به حذف هویت های قومی نمی گردد. این امر بستگی به کیفیت هویت قومی و سازوکارهای توسعه و هویت سازی ملی در بستر اجتماعی خاصی دارد که یکی از این فاکتورها، تجانس و عدم تجانس جمعیتی می باشد، اما بزعم وی هویت قومی می تواند با هویت ملی مشارکت و همراهی داشته باشد. (گودرزی، ۱۳۸۸: ۱۶۳)
- بندیکت آندرسون مسئله "روایت هویت" را امری می داند که مدام توسط ابزارهایی نظیر روزنامه، نظام آموزشی و کتاب روایت می شود.... این ابزارها مدام به افراد یک جامعه خاطرنشان می سازند که دارای تفاوت های جامعی با افراد جوامع دیگر هستند. لذا از آنها مجزا می باشند - این مجزا بودن، اصلی ترین مسئله در روایت هویت است. (تامپسون، ۱۳۸۸: ۲۰۵) گلنر نیز در این چارچوب مفهوم ملت را همزمان با مدرنیزاسیون و بطورکلی صنعتی شدن مطرح می نماید و در مورد اهمیت و جایگاه هویت ملی چنین بیان می دارد: "همان گونه که انسان باید یک بینی و دو گوش داشته باشد، باید دارای یک ملیت نیز باشد". (Mathews, 88:2000). آنتونی اسمیت (۲۰۰۱) از

طرفداران "ناسیونالیسم قومی" بیان می‌دارد در حالی که ملت به عنوان جامعه‌ای دارای فرهنگ، تاریخ، سرزمین مشترک، اقتصاد، سیستم آموزش توده‌ای و حق قانونی مشترک، پدیده‌ای نسبتاً مدرن است، ریشه‌های آن را می‌توان در جوامع قومی ماقبل مدرن جستجو کرد. ازدواج‌های بین گروهی، مهاجرت‌ها و وارد شدن نیروی کار عملاً "حفظ تجانس فرهنگی" و "جوهره ناب" را برای بسیاری از گروه‌های قومی فوق‌العاده ناممکن کرده است. (اوزکریملی، ۱۳۹۱: ۹۹)

پیشینه تجربی پژوهش

مطالعات صورت گرفته و پژوهش‌های انجام شده مرتبط با هویت جمعی (قومی - ملی) را می‌توان در سه گروه دسته‌بندی نمود:

- دسته اول معتقدند که وفاداری‌های قومی و ملی با همدیگر سازگار نیستند و این دو در خاستگاه‌شان متفاوت‌اند. هویت ملی به مفهوم حس تعلق داشتن به یک ملت و قوم‌گرایی، دو متغیر جدا از هم می‌باشند و رابطه معکوسی با یکدیگر دارند؛ یعنی هرچه ملی‌گرایی در میان یک ملت قوی‌تر باشد، از میزان قوم‌گرایی کاسته خواهد شد و برعکس. علی‌الطایفی (۱۳۸۷) معتقد است که هویت قومی و ملی، دو مقوله متفاوت و متمایز از هم و در تضاد با هم هستند که فرد باید یکی را بپذیرد. بزعم وی تعدد قومی، زبانی، دینی و جمعیتی مهمترین عوامل اجتماعی تشدید این دوگانگی و تشتت در ایران می‌باشند. عبداللهی و قادرزاده (۱۳۸۸) نیز معتقدند که هویت‌های قومی در تقابل با هویت ملی می‌باشند و غالب شدن یکی به ضرر دیگری است. عبداللهی (۱۳۷۶) در پژوهشی ملی در این مورد، نتیجه می‌گیرد که به دلیل ضعیف بودن هویت ملی در نزد شهروندان ایرانی، آنها بعد از هویت قومی حتی به سوی هویت‌های فراملی و جهانی‌گرایی و جذب می‌شوند. جان اس‌فینی و دیگران (۲۰۰۳) در تحقیقات‌شان به این نتیجه رسیده‌اند که در چهار کشور مورد مطالعه یعنی آمریکا، هلند، اسرائیل و فنلاند هویت قومی قویتر از هویت ملی می‌باشد و قویترین هویت قومی به ترتیب در بین کشورهای آمریکا، هلند، اسرائیل و فنلاند است. مک‌مئوس و دیگران (۲۰۰۸) در مطالعات‌شان به این جمع‌بندی رسیده‌اند که پذیرش درون‌گروهی با تعصب قومی ارتباط مستقیمی دارد؛ بدین معنا که دانشجویانی که دارای هویت فلاندرزی قویتری می‌باشند، تمایلات بیشتری برای طرح مسائل قومی درون‌گروهی دارند که این بر تعصبات قومیتی آنها می‌افزاید.
- دسته دوم نوعی قرابت و همسویی بین هویت‌های قومی و ملی می‌بینند. آنها معتقدند همان طوری که هویت خانوادگی مانعی بر سر هویت قومی در درون یک قوم نمی‌باشد، هویت قومی نیز با هویت ملی قابل جمع است و با هم نوعی هم‌نشینی و توازی دارند. احمد اشرف (۱۳۷۳)

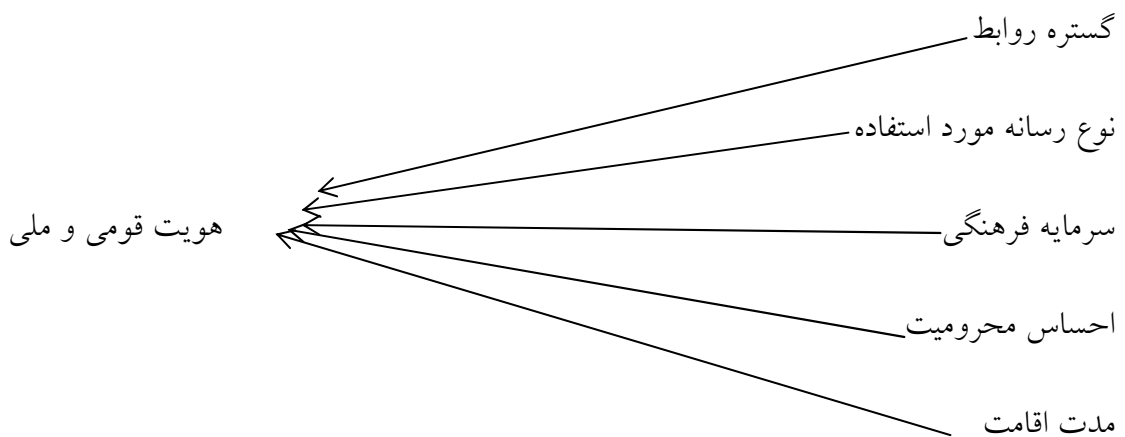
ضمن این که هویت قومی و ملی را از انواع هویت جمعی می داند، این هویت ها را همچون پدیده های اجتماعی مقوله ای تاریخی تلقی می نماید و آن دو- هویت قومی و ملی- را در عرض هم قرار می دهد. مسعود چلبی (۱۳۸۰) در یک پیمایشی ملی نتیجه می گیرد که هویت ملی تحت تأثیر چگونگی آشنایی و روابط بین قومی می باشد؛ هرچند احساس هویت قومی در نزد همه اقوام ایرانی قوی می باشد، اما احساس هویت قومی منافاتی با احساس هویت ملی ندارد و این دو مقوم یکدیگرند. ربانی و دیگران (۱۳۸۸) نیز در یک تحقیق مشابهی نشان داده اند که بین دو متغیر هویت ملی و هویت قومی رابطه مثبت و هم افزایی وجود دارد. ابراهیم حاجیانی (۱۳۸۷) با بررسی ابعاد و مولفه های هویت ایرانی در چهار بعد ملی، دینی، مدرن و قومی معتقد است که هویت ایرانی چند بعدی بوده، اما نوعی همسازی و سازگاری بین ابعاد آن وجود دارد. وودوارد (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان "هویت قومی و ملی در بین جوانان و بزرگسالان" نتیجه می گیرد که هویت قومی و ملی هرچند با همدیگر تفاوت دارند، اما مرادف هم می باشند و فاکتورهایی از قبیل احساس تبعیض و میزان ارتباط با گروه همالان به عنوان متغیرهای مستقل بر هویت ملی تأثیر می گذارند. هوارتیز (۱۹۹۲) با مطالعه سیاست های دهه ۶۰ آمریکا با عنوان سیاست "دیگ ذوب" و یکسان سازی بیان می دارد که در پایان این دهه، سیاست "وحدت در عین کثرت" ارزش غالب در بین مهاجران شد و توجه به تفاوت ها البته هیچگونه تهدیدی برای هویت ملی نمی باشد.

• دسته سوم رابطه بین این دو نوع هویت را پارادوکسیکال و البته پیچیده تلقی می کنند و بر این باورند که در این مورد به همین سادگی نمی توان اظهار نظر کرد. نوع رابطه آنها بسته به عوامل و فاکتورهای دیالکتیکی تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، جمعیتی و... فرق می کند. ازسوی دیگر، کیفیت و چگونگی ارتباط و سازوکار این هویت ها هم دارای اهمیت می باشد. پس رابطه هویت قومی و ملی را می توان هم تعاملی (خطی) فرض نمود و هم تقابلی (غیرخطی). جونز و رینا (۱۹۹۹) در یافته های تحقیقشان به این نتیجه رسیده اند که با افزایش سطح تحصیلات و مهارت های شناختی افراد، بسط هویت جمعی و گذار از هویت های محدود و کوچک به هویت های جمعی عام صورت می گیرد. همچنین، با افزایش سطح تحصیلات و درآمد افراد، گرایش به بُعد محولی هویت ملی تضعیف و برعکس آن تعهد به شناسه های مدنی هویت ملی تقویت می گردد. این نتایج مؤید دیدگاه ها و یافته های اینگلههارت (۱۹۸۹)، بولن و مدرانو (۱۹۹۰) می باشد. کونور نیز در این راستا معتقد است که تعامل یا تقابل هویت ها تحت تأثیر فاکتور "ترکیب جمعیت" می باشد؛ در جایی که تنوع قومی زیاد است، احتمال تضعیف هویت ملی می رود و برعکس. حبیب احمدلو (۱۳۸۷) هویت ملی و قومی را از جنبه هایی هویت جمعی می داند که افراد در طی اجتماعی شدن، آنها را درونی کرده و جزئی از شخصیت خود ساخته اند.

وی معتقد است که این دو بعد از هویت لزوماً در تقابل با هم نیستند و در سطح خرد، افراد تناقضی را بین این دو نوع هویت درک نمی کنند و از آنان در موقعیت های مقتضی استفاده می نمایند. علی یوسفی (۱۳۸۸) نیز معتقد است که پایداری و فراگیری هویت ملی در جامعه چند قومی ایران از یک سو متکی به مناسبات دولت ملی (نظام جمهوری اسلامی ایران) با اقوام کشور و از سوی دیگر، متکی بر کم و کیف روابط اقوام با یکدیگر است.

در جمع بندی مطالب فوق می توان گفت که هویت در سطح کلان، امری اجتماعی است و در ارتباط با اجتماع و دیگران معنا و مفهوم می یابد؛ شکل گیری و یا تغییر آن به عوامل ساختاری و شرایط محیطی و همچنین ارتباط متقابل این دو بستگی دارد. هویت قومی به عنوان هویت سنتی و فروملی هم می تواند از چالش های هویت ملی و هم از نتایج حاصل از همبستگی ملی محسوب گردد. به تعبیر دیگر، این امر به کم و کیف هویت قومی، از یک سو و فرایند هویت سازی ملی در بستر اجتماعی خاص، از سوی دیگر بستگی دارد؛ بدین معنا که توفیق در اخذ رهیافت توسعه معطوف به همبستگی ملی در یک جامعه چندقومی ممکن است موجب همزیستی و همگرایی هویت قومی با هویت ملی گردد و یا برعکس، عدم توجه به گونه گونی های فرهنگی و نادیده گرفتن تنوعات قومی در این فرایند موجبات ناهمسازی و واگرایی را فراهم نماید. در سطح خرد نیز دو نکته حائز اهمیت است: اول اینکه هویت دارای لایه ها، ابعاد، جنبه ها و سطوح مختلفی است و داشتن یک هویت برای یک فرد به تنهایی غیرقابل تصور می باشد. پس جوان امروزین همزمان می تواند هویت های مختلف را کسب و تجربه ؛ دوم اینکه لایه های هویت شکل سیال و منعطفی دارد- بدین معنا که بسته به شرایط و موقعیت های پیش آمده، در بین سطوح و لایه های هویتی جابجایی صورت می گیرد و یکی از این لایه ها در اولویت و مرکز توجه فرد قرار می گیرد. فلذا فرد براساس آن خود را باز می شناسد و در قبال آن احساس تعلق، تعهد و دلبستگی بیشتری می نماید. البته یادآوری می گردد تحقق این امر از یک سو به سازوکار و مکانیسم شکل گرفته میان کنشگر و ساختار^۱ مربوط می شود و از سوی دیگر، به فاکتورها و عوامل مختلفی که در این میان در شکل گیری و تقویت هر یک از ابعاد و لایه های هویت نقش آفرینی می کنند، بستگی دارد.

^۱ چیزی که گیدنز آن را فرایند ساختاربندی می نامد.



مدل ۱: مدل مفهومی تحقیق

فرضیه های پژوهش

۱. نسبت هویت قومی و ملی در بین جوانان اقوام مختلف^۱ ساکن شهر کرج با هم فرق می کند. (مستخرج از نظریات کونور وهشتر)
۲. بین مدت اقامت جوانان در کرج با میزان گرایش به ابعاد عام هویت قومی و ملی رابطه وجود دارد. (مستخرج از نظریه آنتونی اسمیت)
۳. بین گستره روابط جوانان با میزان گرایش آنها به ابعاد عام هویت قومی و ملی رابطه وجود دارد. (مستخرج از نظریه تاجفل)
۴. بین سرمایه فرهنگی جوانان با میزان گرایش آنها به ابعاد عام هویت قومی و ملی رابطه وجود دارد. (مستخرج از نظریه بوردیو)
۵. بین نوع رسانه مورد استفاده جوانان با میزان گرایش آنها به ابعاد عام هویت قومی و ملی رابطه وجود دارد. (مستخرج از نظریه آندرسون)
۶. بین احساس محرومیت جوانان با میزان گرایش آنها به ابعاد عام هویت قومی و ملی رابطه معکوس وجود دارد. (مستخرج از نظریه تدگار)

روش شناسی پژوهش

در این تحقیق از مطالعه اکتشافی به منظور بومی سازی شاخص ها و از روش پیمایش با هدف توصیف و تبیین داده های میدانی استفاده شده است. تکنیک به کار گرفته شده، پرسشنامه حضوری می باشد که با مراجعه به درب منازل تکمیل گردید. واحد تحلیل شامل جوانان متعلق به گروه های قومی شش گانه

^۱ - شش گروه قومی شامل آذری، فارس، کرد، لر، عرب و بلوچ

فارس، کرد، ترک، لر، عرب و بلوچ ساکن در شهر کرج می باشد و واحد مشاهده شامل جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله است. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS ۱۹ استفاده گردید. نوع نمونه گیری در این تحقیق خوشه ای چند مرحله ای می باشد. دلیل به کارگیری نمونه گیری خوشه ای در این تحقیق، اولاً پراکندگی و ثانیاً حجم بالای جامعه آماری می باشد که بالغ بر سیصد هزار نفر می باشد. از سوی دیگر، این تکنیک به گونه ای انجام شده که هزینه مصاحبه نهایی به حداقل برسد (دواس، ۱۳۸۶: ۷۴). نمونه گیری در سه مرحله صورت می گیرد. ابتدا فهرستی از محلات کرج تهیه گردید و شهر براساس متغیر "جدایی گزینی مکانی" به سه خوشه (محله) اعیان نشین، متوسط نشین و فقیرنشین تقسیم و دسته بندی شد. در مرحله دوم، از بین هر کدام از آنها دو خوشه (محله) به قید قرعه و به شیوه نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شد. در مرحله سوم، با استفاده از نقشه های تهیه شده از مرکز آمار ایران، بلوک و بلوک هایی^۱ را از هر محله انتخاب و سرانجام پس از شمارش تمام خانوارهای هر بلوک، به صورت تصادفی افرادی^۲ را برای مصاحبه انتخاب گردیدند. لازم به یادآوری است که پیش برآورد واریانس و دقت احتمالی از تحقیق مشابه گرفته شده است:

$$n = \frac{353782 \times 3.84 \times /80 \times /20}{353782 \times /0025 + 3.84 \times /80 \times /20} \equiv 245 \text{ نفر}$$

تعریف مفاهیم پژوهش

هویت ملی^۳

بازتولید و بازتفسیر دائمی الگوی ارزش ها، نمادها، خاطرات، اسطوره ها و سنت هایی که میراث متمایز ملت ها را تشکیل می دهند و تشخیص هویت افراد با آن الگو و میراث و با عناصر فرهنگی اش است. (اسمیت، ۱۳۸۳: ۳۰).

هویت قومی^۴

۱ - نظر به اینکه احتمالاً تعداد خانوارهای یک بلوک جوابگوی تعداد پرسشنامه ها نباشد و به منظور اطمینان بیشتر، تعداد دو بلوک اضافی به عنوان جایگزین نیز انتخاب شدند که در برخی موارد از آنها استفاده گردید.

۲ - با توجه به اینکه ۲۶۰ نمونه پرسشنامه تکمیل و پس از پالایش حدود ۲۴۵ مورد آن کامل و بدون نقص تکمیل شده بود، لذا نتایج براساس تعداد ۲۴۵ مورد تحلیل شده است.

³- National Identity

⁴- Ethnic Identity

هویت قومی بر آگاهی از تفاوت، برجستگی ذهنی آن تفاوت و بسیج شدن برپایه تفاوت دلالت دارد و شامل مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی از قبیل زبان و ادبیات، آداب و رسوم، حافظه تاریخی، موسیقی محلی، سرزمین مادری و وابستگی‌ها و تعلقات قومی می‌باشد. بنیادین هویت قومی، تجربه ذهنی و فردی است که شخص را به یک گروه قومی خاصی وابسته می‌کند. (warmers، ۱۹۹۸: ۲۰۵)

جدایی‌گزینی مکان^۱

عبارت است از: تمرکز گروه‌های انسانی در مکان‌های مختلف شهری که در نتیجه عملکرد نیروهای گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به وجود می‌آید. (ادیبی، ۱۰۷-۱۰۶: ۱۳۶۵)

احساس محرومیت نسبی^۲

شکاف ناگهانی و فزاینده میان توقعات و بهره‌مندی‌ها - قطع نظر از این که واقعی یا واهی باشد - باعث بروز احساس محرومیت نسبی می‌گردد. (تدگار، ۱۳۷۹: ۳۵)

سرمایه فرهنگی^۳

بورديو، فرهنگ را نوعی اقتصاد یا بازار می‌داند. در این بازار، مردم سرمایه فرهنگی را به جای سرمایه اقتصادی به کار می‌برند. این سرمایه عمدتاً نتیجه خاستگاه طبقاتی اجتماعی مردم است و آن‌ها را یا گسترش می‌دهد تا منصب خود را بهبود بخشند یا آن را از دست می‌دهند و بدین ترتیب باعث تنزل منصب خود درون نظام اقتصادی می‌شوند. (ریترز، ۱۳۸۹: ۳۲۲)

رسانه جمعی^۴

رسانه جمعی عبارت است از: شکل‌های ارتباط (روزنامه‌ها، مجلات، رادیو، تلویزیون یا رسانه‌های الکترونیکی) که به منظور رساندن پیام به پیام‌گیرندگان انبوه طرح ریزی شده‌اند. (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۰۵)

گستره شبکه روابط^۵

عبارت است از: محدوده کسانی که فرد با آن‌ها ارتباط دارد و در واقع بر آنان تأثیر می‌گذارد یا از آنان تأثیری پذیرد که این شبکه می‌تواند گسترده یا محدود باشد. (گیدنز، ۱۳۷۸: ۴۵)

مدت اقامت^۱

¹- space separation

²- feeling of relative deprivation

³- cultural capital

⁴- mass media

⁵- relations network

از نظر لغوی به معنای در جایی ماندن و به سر بردن است. مدت زمان اقامت هر شخصی عبارت است از: زمانی که شخص در محلی سکونت دارد و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد. (قانون مدنی، ۱۳۹۰:۱۱۷)

پایایی و اعتبار

میزان قابلیت اعتماد یک ابزار اندازه گیری را می توان به روش های مختلف به دست آورد. (قاضی طباطبایی، ۱۳۷۶:۱۹) یکی از مهمترین آنها آزمون کرومباخ می باشد که به سنجش میزان پایایی ابزار اندازه گیری می پردازد. نتایج جدول آیینگر آن است که از شش متغیر به استثنای "سرمایه فرهنگی" که مقدار آلفای آنها در حدود و نزدیک به ۰/۷ می باشند، بقیه گویه ها از میزان پایایی و به عبارتی همسازی درونی بالایی جهت سنجش متغیرهای مربوطه برخوردار هستند.

جدول ۱: آزمون پایایی به روش آلفای کرومباخ

متغیر	مقدار آلفای استاندارد شده	تعداد گویه	میانگین	واریانس	انحراف استاندارد
هویت قومی	۰/۸۱۴	۱۷	۳۹/۸۷۱۳	۹۹/۹۰۴	۹/۹۹۵۲۰
هویت ملی	۰/۹۵۸	۱۷	۳۳/۰۲۷۲	۴۷/۳۹۶	۶/۸۸۴۵۰
احساس محرومیت	۰/۸۰۹	۱۱	۳۳/۰۲۷۲	۴۷/۳۹۶	۶/۸۸۴۵۰
سرمایه فرهنگی	۰/۶۶۰	۱۰	۲۴/۶۱۱۱	۲۰/۷۵۹	۴/۵۵۶۱۷
نوع استفاده از رسانه	۰/۷۴۰	۱۰	۱۸/۹۰۹۱	۲۲/۷۱۰	۴/۷۶۵۵۲
مدت زمان اقامت	۰/۷۱۱	۱	۲۱/۱۳۶۵	۲۵/۵۶۳	۵/۷۰۴۲۱
گستره روابط	۰/۷۱۴	۱۰	۲۸/۳۱۵۸	۳۰/۰۰۶	۵/۴۷۷۷۴

روایی (اعتبار) با این مسئله سرو کار دارد که یک ابزار اندازه گیری تا چه حد چیزی را اندازه گیری می کند که ما فکر می کنیم. (فلیک، ۱۳۸۷:۳۳۶) در این پژوهش، جهت تعیین اعتبار ابزار اندازه گیری از دو روش اعتبار سازه و اعتبار محتوا بهره برده شد. در قدم اول از اعتبار صوری استفاده گردید. در این مورد به منظور بالا بردن واقع نمایی تحقیق و افزایش امکان تعمیم پذیری یافته ها و سنخیت تحقیق با واقعیات جامعه آماری، پس از مطالعه شاخص های متعددی در مطالعات دویچ، فینی، میلر، اسمیت، آندرسون، هشتر، گیدنز، بوردیو، چلبی، حاجیانی، عبداللهی، یوسفی، صالحی امیری، گودرزی، محرابی، ابوالحسنی، قادرزاده، ادهمی و... که در زمینه هویت قومی و ملی تحقیقات میدانی و تجربی داشته اند و باتوجه به ماهیت تحقیق و همچنین جامعه آماری و براساس گام های زیر شاخص هایی برگزیده و به کار گرفته شد:

¹ - staying time

۱. بهره گیری از شاخص های جهانی هویت قومی و ملی که بیشتر توسط محققان غربی ارائه شده است؛
۲. مطالعه شاخص های مرتبط با هویت قومی و ملی که از سوی صاحب نظران کشورمان مطرح شده اند؛
۳. تطبیق و بومی سازی این شاخص ها با واقعیات جامعه آماری استان البرز با در نظر گرفتن تنوع و تعدد گروه های قومی؛
۴. جرح و تعدیل شاخص های برگزیده با در نظر گرفتن دیدگاه اساتیدی که پرسشنامه برای آنها ایمیل شده بود؛
۵. نهایی سازی این شاخص ها از طریق پیش آزمونی^۱ که انجام گرفت و رفع ابهامات و نواقص موجود.

در بخش دوم و به منظور تعیین اعتبار سازه از تحلیل عاملی استفاده شد. در تحلیل عاملی انجام شده براساس آماره KMO و روش چرخش واریماکس و با استفاده از تحلیل عاملی تائیدی^۲ همگرایی گویه های مربوط به متغیر "هویت قومی و ملی" به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای "احساس محرومیت"، "سرمایه فرهنگی"، "نوع استفاده از رسانه"، "مدت زمان اقامت در کرج" و "گستره روابط" به عنوان متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار گرفتند.

جدول ۲: سنجش روایی متغیرها با استفاده از تحلیل عاملی

ردیف	متغیر	مقدار تناسب نمونه کیزر-اوکلین	آزمون کرویت بارتلت	درجه آزادی	سطح معنی داری
۱-	هویت قومی-ملی	۰/۸۴۹	۳۴۵۴/۶۶۷	۵۶۱	۰/۰۰۰
۲-	احساس محرومیت	۰/۸۷۱	۱/۴۱۷۳	۴۵	۰/۰۰۰
۳-	سرمایه فرهنگی	۰/۷۲۵	۴۸۸/۱۵۴	۴۵	۰/۰۰۰
۴-	نوع استفاده از رسانه	۰/۶۸۰	۵۳۴/۴۰۶	۴۵	۰/۰۰۰
۵-	مدت زمان اقامت	۰/۸۲۲	۱۱۷۵/۴۲۳	۹۱	۰/۰۰۰
۶-	گستره روابط	۰/۷۲۹	۹۶۳/۲۴۷	۲۸	۰/۰۰۰

آزمون فرضیه ها و تحلیل یافته های پژوهش

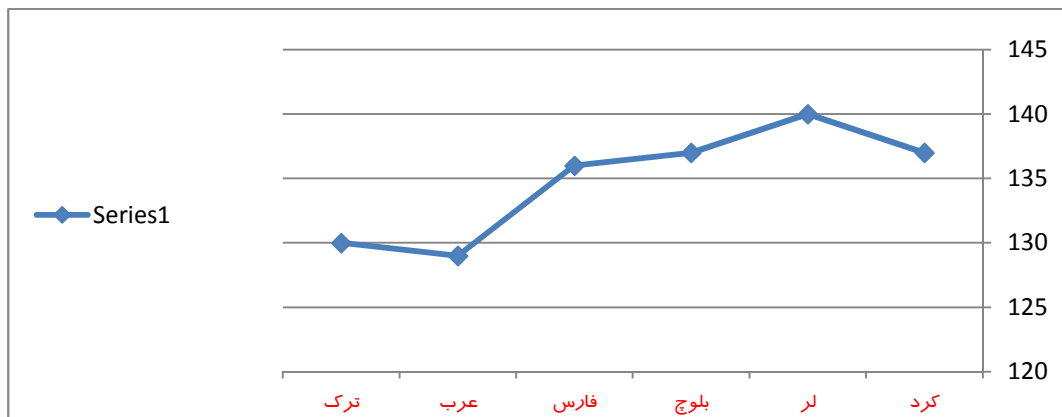
- ۱- حدود ۴۵ نفر به عنوان جمعیت نمونه انتخاب شدند و پیش آزمون به انجام رسید.
- ۲- تحلیل عاملی تائیدی درصدد تعیین این مسئله است که آیا تعداد عامل ها و بارهای متغیرهایی که روی این عامل ها اندازه گیری شده اند، با آنچه بر اساس تئوری و مدل نظری انتظار می رفت، انطباق دارد.

واحد مشاهده ما در این پژوهش جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله ساکن در شهر کرج می باشند. واحد تحلیل، شش گروه قومی کرد، ترک، فارس، عرب، لر و بلوچ است. نتایج به دست آمده در بخش توصیفی بیانگر این است که از مجموع صد درصد پاسخگویان، ۲/۴ درصد کرد، ۴۸/۸ درصد فارس، ۲۰/۹ درصد ترک، ۰/۰۵ درصد بلوچ، ۲/۲ درصد عرب، ۱۲ درصد لر و بقیه را سایر اقوام تشکیل می دادند. در مورد ارجحیت و اولویت هویت از صد درصد پاسخگویان، حدود ۲۵/۷ درصد فقط هویت ملی را نشان دهنده شخصیت و هویت خود می دانند، ۶۳/۹ درصد به ترتیب هویت ملی و بعد هویت قومی را نشانگر شخصیت خود دانسته، ۴/۹ درصد به ترتیب هویت ملی و بعد هویت قومی را نشانگر شخصیت خود دانسته و تنها ۲/۲ درصد فقط هویت قومی را نشان دهنده شخصیت و هویت خود می دانند. بنابراین می توان گفت که تمایل و گرایش پاسخگویان ابتدا به ابعاد هویت ملی و سپس هویت قومی می باشد. پیشفرض این تحقیق در بخش تحلیلی- نظری این است که برخی از متغیرها با متغیر وابسته "ابعاد عام هویت قومی- ملی" دارای همبستگی و رابطه می باشند. در این بخش فرضیه ها آزمون شد تا مشخص شود که آیا داده های تجربی این ادعا را تأیید می کنند یا خیر- در حقیقت به دنبال تأیید یا رد فرض صفر می باشیم. بر این اساس در ادامه به تحلیل و تبیین نتایج پرداخته می شود.

جدول ۳، به مقایسه میانگین های میزان گرایش به ابعاد عام هویت ملی و قومی در بین گروه های قومی شش گانه کرد، فارس، ترک، لر، عرب و بلوچ می پردازد. سطح معناداری (۰/۰۰۳) و همچنین آزمون F (۳/۳۲۳) نشانگر این است که در بین گروه های قومی مختلف از نظر میزان گرایش به ابعاد عام هویت قومی و ملی تفاوت معناداری وجود دارد (مدل دارای برازش می باشد). از بین این گروه ها، قوی ترین میزان گرایش به ابعاد عام هویت ملی و قومی به ترتیب مربوط به گروه قومی لر (۱۴۰)، کرد (۱۳۷)، بلوچ (۱۳۷)، فارس (۱۳۶)، ترک (۱۳۰) و عرب (۱۲۹) می باشد.

جدول ۳: تفاوت میانگین گروه های قومی در مقوله میزان گرایش به ابعاد عام هویت ملی-قومی

هویت ملی-قومی					
	Sum of Squares	Df	Mean Square	F	Sig.
مابین گروه	۳۷۷۵/۲۷۴	۶	۶۲۹/۲۱۲	۳/۳۲۳	۰/۰۰۳
درون گروه	۶۲۶۸۱/۷۹۱	۲۲۱	۱۸۹/۳۷۱		
Total	۶۶۴۵۷/۰۶۵	۲۲۷			



جدول ۴، همبستگی بین گستره روابط با گرایش به ابعاد عام هویت ملی و قومی را نشان می دهد. با توجه به آزمون پیرسون، همبستگی بین این دو متغیر در حدود ۰/۱۱۴ می باشد که تا حدی ضعیف می باشد و سطح معناداری (۰/۰۳۷) به ما اطمینان می دهد که نتایج با ۹۵ درصد اطمینان قابل تعمیم به جامعه آماری می باشد. نوع همبستگی مثبت است؛ بدین معنی که با افزایش گستره روابط، گرایش افراد به ابعاد عام هویت ملی و قومی بیشتر خواهد شد. یافته های فوق موید دیدگاه مید، روزنبرگ، بارث، جنکینز و وودوارد است. مطابق نظریه های جامعه شناسان مذکور، هویت جمعی، دستاوردی تعاملی قلمداد می شود که به لحاظ اجتماعی الگو و ساخت می پذیرد. براین اساس، این الگو و گستره روابط اجتماعی است که مرزهای اجتماعی گروه را تعریف می کند و نه جوهر و بن مایه فرهنگی که گروه را در بر می گیرد. (کروگر، ۱۹۹۷)

جدول ۴: همبستگی بین گستره روابط با گرایش به ابعاد عام هویت ملی-قومی

Correlations			
		هویت ملی-قومی	گستره روابط
هویت ملی-قومی	Pearson Correlation	۱	*۰/۱۱۴
	Sig. (2-tailed)		۰/۰۳۷
	N	۲۱۲	۲۰۵
گستره روابط	Pearson Correlation	*۰/۱۱۴	۱
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۳۷	
	N	۲۰۵	۲۱۶
*. Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).			

جدول ۵، همبستگی بین احساس محرومیت با گرایش به ابعاد عام هویت ملی و قومی را نشان می دهد. نتایج جدول نشان از همبستگی ضعیف (-۰/۱۲۴) بین دو متغیر و همچنین رابطه معکوس دارد؛ بدین معنی که با افزایش احساس محرومیت افراد، گرایش آنها به ابعاد عام هویت قومی و ملی کمتر شده است.

نتایج فوق موید دیدگاه تدگار می باشد که هویت قومی را زمانی دارای اهمیت می داند که با افراد یک گروه قومی رفتار تبعیض آمیز در مقایسه با دیگران صورت گیرد. همچنین، نتایج موید دیدگاه مایکل هشتر می باشد که می گوید همبستگی قومی و قوم گرایی نتیجه تشدید تعارضات و نابرابری در داخل یک واحد ملی می باشد.

جدول ۵: همبستگی بین احساس محرومیت با گرایش به ابعاد عام هویت ملی-قومی

Correlations			
		هویت قومی - ملی	احساس محرومیت
هویت قومی - ملی	Correlation Coefficient	۱/۰۰۰	**۰/۱۲۴
	Sig. (2-tailed)	۰	۰/۰۱۴
	N	۲۱۲	۲۰۵
احساس محرومیت	Correlation Coefficient	**۰/۱۲۴	۱/۰۰۰
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۱۴	۰
	N	۲۰۵	۲۱۶
**. Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).			

جدول ۶، همبستگی بین نوع رسانه مورد استفاده با گرایش به ابعاد عام هویت قومی و ملی را نشان می دهد. با توجه به آزمون پیرسون همبستگی بین دو متغیر در حدود ۰/۱۷۱ می باشد که بیانگر رابطه نسبتاً مناسب بین این دو متغیر می باشد. با توجه به سطح معناداری (۰/۰۰۲) می توان با ۹۹ درصد اطمینان نتایج را به جامعه آماری تعمیم داد. نتایج حاصله موید دیدگاه تاملینسون می باشد؛ جایی که می گوید رسانه ها ما را به افراد دور دست مرتبط می سازند. آندرسون نیز معتقد است که گسترش ارتباطات و به تبع آن رسانه های جمعی موجبات تقویت هویت ملی می گردد.

جدول ۶: همبستگی بین نوع رسانه مورد استفاده با گرایش به ابعاد عام هویت ملی-قومی

Correlations			
		هویت ملی-قومی	نوع رسانه مورد استفاده
هویت ملی-قومی	Pearson Correlation	۱	**۰/۱۷۱
	Sig. (2-tailed)		۰/۰۰۲
	N	۲۱۵	۲۱۵
نوع رسانه مورد استفاده	Pearson Correlation	**۰/۱۷۱	۱
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۲	
	N	۲۱۵	۱۷۴
**. Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).			

جدول ۷، همبستگی بین مدت زمان اقامت در کرج با گرایش به ابعاد عام هویت ملی و قومی را نشان می دهد. همبستگی بین این دو متغیر در حدود ۰/۲۹۱ می باشد که بیانگر رابطه به نسبت متوسط می باشد. همچنین سطح معناداری (۰/۰۰۰) به ما کمک می کند تا با اطمینان صد درصد نتایج را به کل جامعه آماری تعمیم دهیم. این نتایج موید دیدگاه دویچ است؛ جایی که وی بیان می دارد که گسترش شبکه های ارتباطی و تعاملاتی افراد ناشی از محل سکونت خود موجبات تقویت همانندسازی در افراد می گردد.

جدول ۷: همبستگی بین مدت زمان سکونت با گرایش به ابعاد عام هویت ملی-قومی

Correlations			
		هویت ملی - قومی	مدت زمان اقامت
هویت ملی-قومی	Pearson Correlation	۱	**۰/۲۹۱
	Sig. (2-tailed)		۰/۰۰۰
	N	۲۱۶	۲۰۲
مدت زمان سکونت	Pearson Correlation	**۰/۲۹۱	۱
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۰	
	N	۲۰۲	۲۳۶
**. Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).			

جدول ۸، همبستگی بین سرمایه فرهنگی با گرایش به ابعاد عام هویت ملی و قومی را نشان می دهد. نتایج بیانگر رابطه نسبتاً متوسط (۰/۲۲۵) بین دو متغیر سرمایه فرهنگی با گرایش به ابعاد عام هویت قومی و ملی می باشد و با توجه به سطح معناداری (۰/۰۰۰) نتایج حاصله با صد درصد اطمینان قابل تعمیم به جامعه آماری می باشد. نتایج به دست آمده موید دیدگاه بوردیو می باشد؛ بزعم وی، میدان های تعاملاتی عادت واره فرد را تشکیل می دهد و به تبع آن هویت های جمعی مشترک را پدید می آورند که متناسب با آن گسترده می شوند.

جدول ۸: همبستگی بین سرمایه فرهنگی با گرایش به ابعاد عام هویت قومی و ملی

Correlations			
		هویت قومی - ملی	سرمایه فرهنگی
هویت قومی-ملی	Pearson Correlation	۱	**۰/۲۲۵
	Sig. (2-tailed)		۰/۰۰۰
	N	۲۱۷	۲۱۰
سرمایه فرهنگی	Pearson Correlation	**۰/۲۲۵	۱
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۰	
	N	۲۱۰	۲۱۹
**. Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).			

تحلیل چند متغیره

در این بخش به منظور شناخت تعامل بین پنج متغیر مستقل، ادغام متغیرها و همچنین تعیین سهم هریک از متغیرهای مستقل در تبیین و پیش بینی تغییرات متغیر وابسته از رگرسیون چندمتغیره و روش گام به گام در پنج مرحله استفاده شده است. با توجه به R^2 استاندارد شده در گام پنجم می توان گفت ۷۱ درصد از واریانس هویت قومی و ملی در نزد جوانان کرج توسط پنج متغیر فوق تبیین و پیش بینی نشده است و سهم این پنج متغیر در حدود ۲۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته می باشد. بنابراین علاوه بر پنج متغیر مذکور، متغیرهای دیگر نیز می توانند در واریانس متغیر هویت قومی و ملی سهم باشند که در این تحقیق مجال پرداختن به آن وجود ندارد.

جدول ۹: عناصر اصلی تحلیل چندمتغیره به روش گام به گام

مرحله	R	R2	R2 استاندارد شده	اشتباه استاندارد
اول	۰/۲۸۴	۰/۲۱۲	۰/۱۹۹	۰/۹۶۲۷۰۴۵۰۵
دوم	۰/۳۴۱	۰/۲۴۷	۰/۲۳۵	۰/۹۵۹۱۰۶۳۶۵
سوم	۰/۳۶۷	۰/۲۶۹	۰/۲۵۸	۰/۹۵۰۱۰۴۲۹۷
چهارم	۰/۳۸۲	۰/۲۸۱	۰/۲۷۶	۰/۹۴۴۵۷۱۸۳۷
پنجم	۰/۳۹۴	۰/۳۰۱	۰/۲۹۰	۰/۹۴۲۱۹۲۳۲۳

در جدول ۱۰، سایر آماره‌ها برای متغیرهای درون معادله آورده شده‌اند که عبارت اند از: ضرایب رگرسیون B برای نشان دادن نمرات خام متغیرهای درون معادله، ضریب استاندارد (Beta) متغیرهای درون معادله برای نشان دادن تاثیر خالص متغیرهای درون معادله بر متغیر وابسته و مقادیر آزمون (T) و (sigT) برای نشان دادن معناداری ضرایب رگرسیون. با توجه به اینکه سطح معناداری هر پنج متغیر کمتر از ۱ درصد می باشد، پس می توان گفت که ضریب رگرسیون برای پنج متغیر مذکور در سطح ۹۹ درصد اطمینان از لحاظ آماری معنادار است.

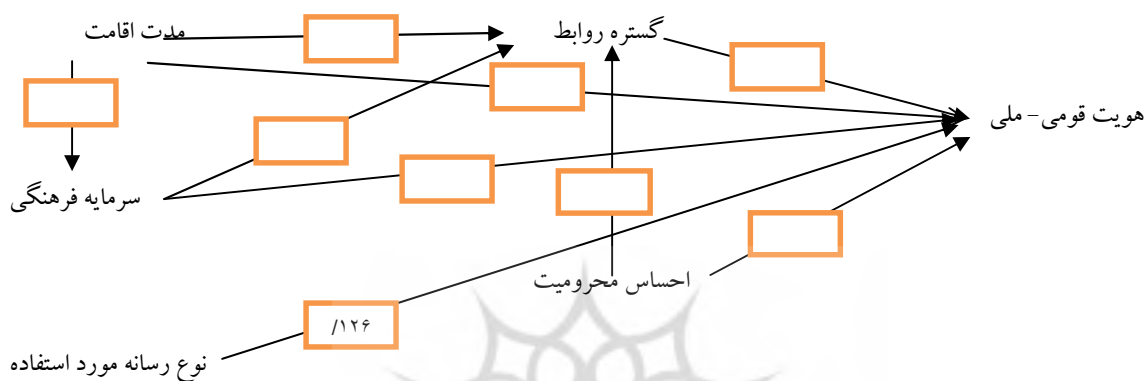
جدول ۱۰: عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش بینی نسبت هویت قومی و ملی

نام متغیر	B	Beta	t	sig
نوع رسانه مورد استفاده	۰/۱۴۶	۰/۱۳۹	۲/۴۳۸	۰/۰۰۰
سرمایه فرهنگی	۰/۲۱۴	۰/۲۰۷	۲/۸۷۴	۰/۰۰۴
گستره روابط	۰/۱۰۹	۰/۱۰۶	۲/۳۲۵	۰/۰۰۰
مدت زمان سکونت	۰/۲۴۸	۰/۲۴۱	۳/۲۵۰	۰/۰۰۰

احساس محرومیت	-۰/۱۲۱	۰/۱۱۳	-۲/۷۳۰	۰/۰۰۰
---------------	--------	-------	--------	-------

به طور کلی، شکل عمومی رگرسیون پنج متغیر به دست آمده با توجه به عملیات رگرسیون گام به گام و داده های آن برای پیش بینی (تبیین) گرایش به ابعاد عام هویت قومی و ملی به شرح زیر است:

مدت سکونت (۰/۲۴۱) + سرمایه فرهنگی (۰/۲۰۷) + نوع رسانه مورد استفاده (۰/۱۳۹) + گستره روابط (۰/۱۰۶) + احساس محرومیت (-۰/۱۱۳) + $Y = ۲۳۵$



مدل ۲: مدل نظری پژوهش

از تحلیل مسیر فوق می توان چنین استنباط کرد که متغیرهای "رسانه مورد استفاده" با ضریب ۰/۱۲۶ و "گستره روابط" با ضریب ۰/۱۰۸ متغیرهایی هستند که به صورت مستقیم بر ابعاد هویت ملی - قومی تاثیر می گذارند. این متغیرها به عنوان متغیرهای وابسته میانی (درونی) نیز در نظر گرفته شده اند. بنابراین تاثیر غیرمستقیم بر متغیر وابسته نداشته اند. اما متغیرهای "مدت زمان اقامت در کرج"، "سرمایه فرهنگی" و "احساس محرومیت" علاوه بر تاثیرات مستقیم، دارای تاثیرات غیرمستقیم نیز می باشند. میزان تاثیر مستقیم متغیر "مدت زمان سکونت در کرج" بر متغیر وابسته برابر با ۰/۲۳۸ و تاثیر غیرمستقیم بواسطه متغیرهای "سرمایه فرهنگی" و "گستره روابط" در حدود ۰/۰۴۹ می باشد. میزان تاثیر مستقیم "سرمایه فرهنگی" بر متغیر وابسته نیز برابر با ۰/۲۱۵ می باشد و تاثیر غیرمستقیم آن بواسطه متغیر "گستره روابط" برابر با ۰/۰۲۹۱ می باشد. همچنین، میزان تاثیر متغیر "احساس محرومیت" بر متغیر وابسته برابر با ضریب -۰/۰۹۶ و تاثیر غیرمستقیم آن بواسطه متغیر "گستره روابط" برابر با -۰/۰۰۶ می باشد.

جدول ۱۱: ماتریس تاثیرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر وابسته

نام متغیر	تاثیرات مستقیم	تاثیرات غیرمستقیم	جمع اثرگذاری
مدت زمان سکونت در کرج	/۲۳۸	/۰۴۹	/۲۸۷
سرمایه فرهنگی	/۲۱۵	/۰۲۹	/۲۴۴
احساس محرومیت	-/۰۹۶	-/۰۰۶	-/۱۰۲
گستره روابط	/۱۰۸	-----	/۱۰۸
نوع رسانه مورد استفاده	/۱۲۶	-----	/۱۲۶

جمع بندی به مثابه نتیجه گیری

قبل از هر چیز به بیان جنکینز باید گفت که قومیت و ملیت، اصول ساختاری مناسبات اجتماعی هستند که شاید در عالم نظر بشود آنها را تعریف، مرزبندی و از همدیگر منفک و جدا نمود، اما در عالم واقع این دو بُعد از هویت جمعی به صورت پیوستاری در طول هم قرار دارند و به گونه ای درهم تنیده شده اند که تفکیک و مرزبندی آنها امری بس دشوار است. در این پژوهش، هویت قومی و ملی در تعامل با هم و به صورت یک شاخص کلی هویت قومی - ملی در قالب یک طیف فرض شده که از ابعاد خاص هویت قومی شروع و تا ابعاد عام هویت ملی تداوم یافته است.

نتایج تحقیق بیانگر این است که مهاجرت و جابجایی اقوام از پیرامون به مرکز ایران موجب گردیده که آنها از بافت و ساخت فرهنگی خالص و همگون خویش خارج گردند و با یک زیست بوم فرهنگی متنوع، متکثر و ناهمگونی همچون کرج مواجه شوند. پس زندگی در این شرایط، ضرورت آمادگی افراد و گروه های قومی برای مواجهه و تعامل با دیگران و اغیار را فراهم نموده است. بر این اساس و ضمن قبول پیشفرض مکتب تعامل گرایی مبنی بر امکان شکل گیری هویت های متنوع، یادآوری می گردد که اولاً، جوانان کرجی در مقاطع بی شماری با همدیگر تعاملات و مراودات روزمره دارند و این امر موجب گردیده کم کم از پوسته فرهنگی و قومی خویش خارج و با دیگری و دیگران پیوند و ارتباط برقرار کنند و به تبع آن کاهش فاصله ها و تعصبات را تجربه نمایند. از سوی دیگر، با توجه به این که هویت های جمعی در هر جامعه ای از منابع مختلفی تغذیه می کنند و نوع این منابع هویت بخش یا هویت ساز بنابر مقتضیات زمانی و مکانی و تحت تاثیر فاکتورهای تغییر می کند، پس نباید به مانند رویکردهای جوهرگرا و ساختارگرا انتظار یک هویت یکپارچه را از فرد جوان داشته باشیم؛ جوانی که در شرایطی قرار دارد که هویت وی در

حال شکل‌گیری و ساخته شدن است و همواره و با توجه به مقتضیات سنی، ذهنی، روانی و همچنین اجتماعی، شکل و قوام می‌گیرد.

یافته‌های تحقیق بیانگر این است که گرایش و وفاداری گروه‌های شش‌گانه قومی به ابعاد هویت قومی و ملی کمابیش باهم متفاوت است و این تفاوت‌ها به میزان تعلق و وفاداری به عناصر مهم هویت ملی - قلمرو سرزمینی، گذشته تاریخی، مفاخر فرهنگی، خط و زبان رسمی، تعاملات اجتماعی، ساختار سیاسی و... - برمی‌گردد، اما در مجموع احساس تعلق و تعهد جوانان کرجی در درجه اول معطوف به اجتماع ملی و نشانگرهای آن می‌باشد و در مجموع، رعایت هنجارهای عام و ملی از سوی جوانان کرجی بیش از هنجارهای قومی است.

این امر حکایت از آن دارد که بستر و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی برای عام شدن هویت ملی در شهری همچون کرج مهیا می‌باشد. از این رو در سطح خرد، تعاملات بین فردی و گروهی، شکلی مطلوب و معقول دارد و همبستگی اجتماعی بر روابط افراد حاکم است؛ اما در سطح کلان و نخنگبان قومی و ملی برای اینکه به ثبات و همبستگی بیشتری دست یازیم، لازم است که نوع رویکرد و نگاهمان را نسبت به گروه‌های قومی به عنوان "اغیار" اصلاح کنیم و به جای دیدن تفاوت‌ها، بر تشابهات تاکید نماییم، چرا که اقوام مختلف، تار و پود اجتماع ملی را تشکیل می‌دهند و از رهگذر احترام و حرمت گذاشتن به ارزش‌های فرهنگی اقوام است که این تار و پود محکم می‌شود و بنیان‌های هویت عام و ملی تقویت می‌گردد. حفظ آداب، رسوم، فرهنگ و زبان هر قومی حق طبیعی و خدادادی آنها می‌باشد. در دنیایی که تکثر و تنوع در همه ابعاد و جنبه‌ها امری پذیرفتنی است، در داخل کشور و در شهری همچون کرج - ایران کوچک - که دارای زیست چند فرهنگی است و از این لحاظ نماینده تمام اقوام ایرانی می‌باشد باید مدیران فرهنگی و سیاسی استان این تنوع و تکثر را به عنوان یک فرصت، حرمت نهند و به نحو احسن از آن پاسداری نمایند. در این راستا پیشنهاد می‌شود ضمن مطالعه و بررسی دقیق و کارشناسانه، زمینه‌های بروز هرگونه اختلاف و گسل - به عنوان تهدید - را شناسایی و مدیریت نمایند. در واقع، با مدیریت علمی و عقلانی می‌توان شهر کرج را به عنوان تجربه و الگویی موفق از تساهل، تسامح و همدلی به کل ایران و حتی کل جهان معرفی کرد.

نتایج به دست آمده از این پژوهش موید نظریه تدگار است که می‌گوید هویت قومی زمانی اهمیت پیدا می‌کند که با افراد یک گروه قومی به واسطه تعلقاتشان به آن گروه، رفتاری تبعیض آمیز در مقایسه با گروه‌های دیگر صورت گیرد. با توجه به این که مراکز آموزشی سطح کرج اعم از مدارس و دانشگاه‌ها دارای

ترکیب فرهنگی، قومی، زبانی و نژادی کم نظیری است که باید به عنوان یک فرصت به آن نگاه کرد و مورد حرمت قرار گیرد، ضروری است که در کنار آموزش حقوق شهروندی به جوانان و نوجوانان در این مراکز، در عمل نیز کارگزاران دولتی از هرگونه توهین، تحقیر و اهانت به دیگر اقوام و لهجه ها و زبان ها اجتناب ورزند. به تعبیر کولی، اگر دیگران - به ویژه اعضای گروه های نخستین مثل دانشجویان و دانش آموزان - جوان را مسخره کنند، احتمال دارد او نظری منفی درباره هویت خود پیدا کند؛ معضلی که هر از چندگاهی در برخی مراکز آموزشی شهر کرج اتفاق می افتد.^۱ لازم است در مراکز آموزشی ارزش ها و فضایل ملی با مدارا به دانش آموزان به عنوان یک مهارت زندگی آموزش داده شود.

بر مبنای پژوهش موجود، میزان بهره مندی گروه های قومی از رسانه های ملی و به ویژه شبکه استانی البرز در سطح مطلوبی نمی باشد - که البته می تواند دلایل مختلفی داشته باشد و در این مقال فرصت پرداختن به آن نیست - اما باید بپذیریم که رسانه ها در دنیای امروزین به عنوان یک قدرت غیرقابل انکار، نقش مهمی در درونی کردن و تثبیت ارزش ها در افراد دارند. از این رو، پیشنهاد می گردد که شبکه استانی البرز به شبکه "اقوام" تغییر نام یابد و ضمن حرمت نهادن و تکریم اقوام ساکن کرج، به معرفی و نمایش شیوه زندگی، آداب و رسوم، سنن، موسیقی و... اقوام مختلف بپردازد. در این راستا می توان ضمن دعوت از مشاهیر و نخبگان اقوام ایرانی که عموماً جزو مفاخر ملی و چهره های ماندگار هستند، از آنان تجلیل و تکریم به عمل آورد و آنها را به عنوان الگو به شهروندان کرجی معرفی کرد. در غیراین صورت همان طوری که جنکینز و معلوف بیان می دارند، بی توجهی و بی حرمتی به اقوام، احساس ناخرسندی و نارضایتی را در آنها تشدید می کند و ممکن است به تغییر هویت قومی و یا پشت کردن به هویت ملی افراد بینجامد.

^۱ - پدیده ای که نگارنده به عنوان مدرس بارها شاهد آن بوده است.

منابع

- احمدلو، حبیب. (۱۳۸۲). "علل و عوامل موثر بر هویت جمعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز". پایان نامه کارشناسی ارشد، علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- اسمیت، دی، آنتونی. (۱۳۸۳). نظریه های ناسیونالیسم. منصور انصاری. تهران: نشر تمدن ایرانی
- اشرف، احمد. (۱۳۷۳). "بحران هویت ملی و قومی در ایران". نشریه بنیاد مطالعات ایرانی. شماره ۳.
- الطایی، علی. (۱۳۸۷). بحران هویت قومی در ایران. تهران: نشر شادگان
- اوزکریملی، اوموت. (۱۳۸۳). نظریه های ناسیونالیسم. محمدعلی قاسمی. تهران: انتشارات تمدن ایرانی
- بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۸۴). روش های تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی. تهران: نشر دوران
- بیکر، ترز ال. (۱۳۷۸). نحوه انتخاب تحقیقات اجتماعی. هوشنگ ناییبی. تهران: نشر روش
- تامپسون، جان. (۱۳۸۸). جهانی شدن و فرهنگ. محسن حکیمی. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی مرکز بین المللی گفتگوی تمدن ها
- تدگار، رابرت. (۱۳۷۹). چرا انسان ها شورش می کنند؟ علی مرشدی زاده. چاپ دوم، مطالعات راهبردی
- ترنر، جانانان. (۱۳۷۱). پیدایش نظریه جامعه شناسی. عبدالعلی لهسایی زاده. شیراز: انتشارات فرهنگی
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۱). هویت اجتماعی. تورج یاراحمدی. تهران: نشر شیرازه
- چلیبی، مسعود. (۱۳۸۰). هویت های قومی و رابطه آن با هویت ملی در ایران. تهران: دفتر امور اجتماعی وزارت کشور
- حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۸۷). "مطالعه تجربی عناصر هویت ایرانی". رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- دواس، دی.ای. (۱۳۷۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی. هوشنگ ناییبی. تهران: نشر نی
- ربانی، علی و دیگران. (۱۳۸۸). "رابطه هویت ملی و قومی در بین دانشجویان آذری، کرد و عرب دانشگاه های دولتی ایران". فصلنامه مطالعات ملی. شماره ۳۹.
- ریتزر، جورج. (۱۳۸۹). نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر. محسن ثلاثی. چاپ ششم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- عبداللهی، محمد. (۱۳۷۶). "بحران هویت - هویت جمعی، دینامیسم و مکانیسم تحول آن در ایران". نامه انجمن جامعه شناسی ایران. دفتر اول.
- فلیک، اووه. (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی. هادی جلیلی. تهران: نشر نی

- قاسمی، محمدعلی. (۱۳۸۱). "درآمدی بر پیدایش مسایل قومی در جهان سوم". فصلنامه مطالعات راهبردی. سال پنجم، شماره اول، بهار.
- قاضی طباطبایی، محمود. (۱۳۷۶). تکنیک های خاص تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور
- کرلینجر، فردان. (۱۳۹۰). پژوهش در علوم رفتاری. حسن پاشا شریفی و همکاران. جلد دوم، تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی
- گار، تد رابرت. (۱۳۷۸). "اقلیت ها، ملی گراها و برخوردهای سیاسی". حمیدرضا کریمی. فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره اول.
- گودرزی، حسین. (۱۳۸۸). گفتارهایی درباره جامعه شناسی هویت در ایران. تهران: انتشارات تمدن ایرانی
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۷). تجدد و تشخیص. تورج یاراحمدی. تهران: نشر شیرازه
- مالشویچ، سینیشا. (۱۳۹۰). جامعه شناسی قومیت. پرویز دلیرپور. تهران: انتشارات آمه
- مروت، برزو. (۱۳۸۴). "عوامل موثر بر شکل گیری هویت غالب در بین دانشجویان دانشگاه های سندج". رساله کارشناسی ارشد، علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- معلوف، امین. (۱۳۸۹). هویت های مرگبار. عبدالحسین نیک گهر. تهران: نشر نی
- نوذری، عزت الله. (۱۳۸۰). تاریخ اجتماعی ایران از آغاز تا مشروطیت. تهران: انتشارات خجسته
- هیلگارد، ای.اچ. (۱۳۷۸). زمینه روان شناسی. محمدنقی براهنی و دیگران. تهران: انتشارات رشد
- یوسفی، علی. (۱۳۸۰). "روابط بین قومی و تاثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران". فصلنامه مطالعات ملی. سال دوم، تابستان ۱۳۸۰، شماره ۸.

- Aorebort, F.H. (1982). "On the structural basis of Regional Mobilization in Europe". In Demarchi , B.7 Boileau ,A.M, Boundaries and Minorities in western Europe, franco. Angele Milano, 33:39
- Berazonsky.M. D. Kuk.L. S. (2005). "Identity style, pscholsocial maturity. And academic performance". Personality and individual differences, No, 39.
- Campbella, Catherine and Carl Mcleand. (2009). "Ethnic identities, social capital and health inequalities: factors shaping African-Caribbean

participation in local community networks in the UK". Social science & Medicine, VOL.55,PP,643-657.

- Cramer, P. (2000). **"Development on identity: Gender makes a difference"**. Journal of Research in Personality, No.34
- Giddens, Antony. (1984). **The constitution of society**. Oxford: polity press.
- Horowitz Donold. (1992). **"Interdentas and secession: adjusment phenomena neglected connection"**. In A.D.smith(ed). *Ethenicity and nationalism: internationalism studies in sociology and social Anthropology*.VOL.LX.leiden:Brill.
- Jean s. phiny.Gabril horenezky. (2001). **"Ethnic identity, immigration, and well-being: an interactional perspective"**. Journal of social issues, Vol 57, No3, pp493-510
- Joun, c. &onorato, rina. S. (1999). **"Social identity,personality and the self –organization perspective"**. In Tom R. Tyler;Roderick M.kramer& oliver p.john(eds)*the psycology of the social self*. London,Lawrence Erlbaum associological.
- Kerpelman, Jennifer and Loyed, whilte. (2011). **"Interpersonal identity and social capital: The importance of commitment for Low Income, Rural, African American Adolescents"**. JOURNAL OF BLACK PSYCHOLOGY, VOL.32.NO.2, PP219-242.
- Kroger, J. (1997). **Identity in adolescence, The balance between self and other**. London and New York: Routledge.
- Kramer, M. & oliver p. john. (2001) **The psychology of the social self**. London, Lawrence Erlbaum Associological3.pp-493-550.
- Mathews, Gordon. (2000). **Golden culture/individual identity: searching for Home in the cultural supermarket**. London and New york, Routledge.

- Maus. Mack. (2006). **"The development of ethnic identity during"** adolescence. The American psychological association.vol42.no1,1-10
- Mead . H. (1976) **"Mind, self and society"**. From the stand point of a mind, self, society. Gorge H . Mead The university of Chicago .
- Parsons, Talcot. (1999). **Edward shills, kaspar Theories of society, foundations of modern sociological Theory.** D.Nagele,and jess R.pitts. Adivision of Macmillan publishing Co., Inc.NEW YORK
- Seidman. Edward .sabine Elizabeth. (2006). **"The Development of ethnic identity during Adolescence-the role of national identity representation in the relation between in – group identification and out group derogation: ethenic versus civic representation"**. Joke meeus .bart duriez
- Smith, A. (1995). **"Nation and nationalism in a global age"**. combridg:polity.p137
- Rosenberg, Morris. (1981). **"The self-concept: social product and social force"**. Published in social psychology, edited by Rosenberg and Turner, basic Booked.
- Shwartz & kurtinez. (1999). **"An integrative expiration based intervention to facilitate identity formation"**. SRIF , SIXTH Annual conference.
- Smith, Antony D. (2000). **"The nation in History. History graphical Debates about Ethnicity and nationalism"**. Polity press, publishers LTD.
- Stryker sheldon and peter .j . burke. (2000). **"The post present and future of an identity theory"**. social psychology quarterly.
- Turner . janatan . H. (1998). **The structure of sociological theory . sixth published.**
- Woodward, kath. (2000). **Questioning identity, gender, class, nation.** London: Riuledge in association.

Youth Ethnic and National Identity (Case Study: Youth in Alborz Province)

Borzoo Morovat

Ph.D. in Cultural Sociology, Assistant Professor, Farhangian University, Tehran, Iran

Received: 6 Aug. 2017

Accepted: 23 Sep. 2017

The most fundamental changes in human development occur during the period of adolescence and youth, during which a person has always been searching and searching for his own meaning and nature, and this search and exploration in the environment and community around him and in connection with others can be. The young person knows that this community-including the family, the clan, the people and the nation- has formed part of its existence and nature, and is socialized and identified through interaction with them.

The present study was conducted in a survey method and a questionnaire was used to collect data. The statistical population includes young people between 18 and 30 years of age belonging to 6 ethnic groups living in the city of Karaj, and 245 of them were selected using the Cochran formula. The results of the research indicate the similarities and similarities between ethnic and national identities. There is a significant difference between ethnicity and nationality in general ethnic groups. However, it is not indicative that the particular dimension of ethnic and national identity is weak in them. The results show that the variables of cultural capital, mass media and duration of residence in Karaj have a direct and increasing indirect effect on the tendency to dimensions General ethnic and national identity. The range of relationships alone has direct effect, and on the other hand, with the increasing sense of relative deprivation in youth, the tendency towards the general dimensions of ethnic and national identity is undermined. In total, the above 5 variables make up about 29% of the changes in the trend towards the general dimensions of ethnic and national identity among young people.

Key words: Ethnic and National Identity, Youth, Extent of Relationship, Feeling Deprived, Mass Media and Cultural Capital